

هو الله



میراث
۱۳۲۹

اصول نامه

تجارتی

در افغانستان

نار بخ طبع - ۱۱ دلو - ۱۳۲۹

(۲۰۰ جلد)

تعداد طبع

دکالی شرکت مخابراتی افغانستان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اصولنا مه تجارتی

تجارتی اصولنامه

لمری فصل

فصل اول

- ۱- مور تجارت و اهلیت تجارت دسوداگریه چاری او دسو داگر انواهیت دعمومی احکام عوامیه شرعیه تعهدات شان در باره اموال معتبر بوده دار ای سن ۱۸ باشند وهم ممنوعیت اصولیه نسبت به شخص و یا نوع تجارت شان وجود نداشته باشد . میتوانند تجارت نمایند .
- ۲- کلیه قضاة و مامورین هر کجا برخلاف ممنوعیت اصولیه به تجارت اشتغال ورزند معاملات شان معتبر شناخته نمی شود .
- ۳- شرکت های تجارتی و تمام کسانیکه دار ای اهلیت تجارتی بوده و بنام خود بیکی از معاملات تجارتی اشتغال ورزیده آنرا په بوه تجارتی معامله بخوبت وی او هم دغه ئی

کسب معتاده خودا تخدان میکند تاجر شناخته خپل کسب گفتمی وی هفته تا جر گفتم
کی-بزی هم شوند .

۴:- هفته خلوچه خپل و تجارتنی معاملات
تاجر ادباره بوخای انتخاب او هلتہ خپل کار
و بار شروع کری او به خملکو کتبی درآید و
او با په بوه بله اعلانی و سیله دهی خپل شغل
اعلان و کری نو په دی صورت کتبی که دغه
سری تجارت خپل کسب و نه گئی هم تاجر
گفتم آینه بزی .

۵:- کوم سری چه دیسنبی له مخه بوه تجارتی
معامله کری وی هفته تاجر نه گفتم کیزی
لیکن دغه معامله تجارتی احکام او اصولاً نو

تابع ده .

۶:- حکومت او بلدی تجارت کولی هی لیکن
دوی پخپله د تاجر په حیث نشی گفتمی ، مگر دوی
تجارتی معاملات به د تجارتی اصولاً نو او احکام
تابع ده وی .

۷:- که تجارت خانه یو صغیر ته پاتی سی او مر بو طه
محکمه د دغه صغیر دولی او باوصی دخواه ددغه
تجارت خانی په کارا چول مفید و گئی ، کولی

۴:- شخصیکه برای اشتغال به معاملات
تجاریه محلی را انتخاب و برای اجرای
معاملات خود افتتاح نماید و این پیشنه
خود را بذریعه جراید و امثال آن « و سایل
اعلاییه » به اهالی اعلان نماید ، اگر تجارت
را برای خود یک کسب معتاده هم اتخاذ نکند
تاجر شمرده میشود .

۵:- شخصیکه نصا دفا یک معامله تجارتی
نموده باشد ، دارای صفت تاجر شده نمیتواند
ولی معامله مذکور تابع احکام اصولات
تجارت است .

۶:- دولت ، بلدیه هامیتو اند تجارت کند
ولی محرز صفت تاجر شده نمیتواند اما .
معاملات تجارتی ایشان تابع احکام اصولات
تجارت می باشد .

۷:- اگر تجارت خانه بکدام صغیری انتقال
کند و میکممه مر بو طه بکار اند اختن آن از
طرف ولی باوصی صغیر مفید بدد اند ، می تواند

شی چه دغه ولی باوصی نه اجازه در کری، لیکن
که دغه ولی باوصی دنیا رت اصولی اهلیت
نه در لو د او یادوی دنیار تی چار و خخه منع کری
شوی و نو په دی صور تونو کبی ورنه اجازه
نه در کول کیزی.

بولی باوصی او اجازه اعطایندوا گرولی باوصی
دارای اهلیت اصولی برای تجارت نباشدند
و بادر اجرای امور تجارت ممنوع شده باشند
به آنها اجازه داده نمی‌
شود.

تبصره :

احکام فوق در باره کسانیکه مقصرا . داپور ته حکام دهه چاپه حق کبی هم
نافذ دی چه هغه مقصرا گفمل شوی وی .

۸:- کوم انتخاص چه دهه دهه دنیار تجارت دنقدی
سرهائی خیمه به بدی کوشش پوری زیانه امده لری
او دغه کسب او کارئی چه به بود کان یا یونتا کلی
خای کبی وی او یاد گرخیدورا گرخیدو گروی
بو اخی دگذاری او معیشت دناره کافی وی 'نو
دانی سان دور و تاجر انو خخه شمپرل کیزی .

۸. انتخاص یکه تجارت آن از سرمهایه قدری
زیادتر مستند به مساعی بدنیه بوده کار
و کسب آن تهها مکنی مدار معیشت او بشود
خواهیار باشد و خواهد در بیک دکان و با
در بیک محل معینی مسکون باشند تاجر
کوچک شمرده میشوند .

تبصره :

هفه د کانداران چه دد کانداریه د کار
خخه علاوه هسوها گریه د مال دصا در دلو او
واره د لولاره هم افدام کوی ، د جودا گرو
به هله کبی حساب دی او هفه زیکایف چه په دی
اصولنامه یانورو اصولنامه کبی سودا گرو

آنچنان د کاندار اینکه علاوه بر شغل
د کانداری بکار واردات و باره درات
مال التجاره اقدام میکند در صنف تجارت
محسوب و تکلا لیفیکه در این اصولنامه
یا اسائل اصولنامه جهه تجارت مقرر شده

در باره آنها نیز تطبیق میگردد .
 ۹: کوچنی ناجران او هفته تا جران چه دتجارتی
 دفتر و نوادا صولت نامی به ۱۷ ماده کتبی ذکر شوهدی
 هفوی دتجارتی عنوان به غوره کولو او دخیل
 تجارتی دفتر و نو په تنظیم او به هفو خصوصیات توجه
 دتجارتی ثبت داصولت نامی دا حکما موله فراره دهی
 ثبت لازم او ضروری مجبور او مکلف نه دی او پدی
 دول دخلک دا فلاں دقاعدی لاندی هم نه راحی
 همچنان تحت قاعدة افلس نیز نمی آیند .

دوهم فصل

تجارتی معاملی

۱۰: تاجر اشخاص یا غیر له دوی نه نور و خلک چه
 منقول مالونه دخر خولو یا اجاری به نیت دبل
 چه اخلاقی او هفه به خپل اصلی حالت او یادشکل
 به تبدیل به بل باهی خرخوی او رایی به اجاره
 در کوی دار از بیع او ایجا ره «عام له دی
 چه تصرفات پکنی شوی دی او کنه وی شوی »
 دتجارتی معاملات خجھه گمل کپنی .

همدارنک که دغه اشخاص دار از مالونه به دی
 نیت دبل نه په اجاره اخلاقی چه بل تهئی به اجاره
 در کمری نو منقوله اجاره شو و مالو نو اجاره

فصل دوم

معاملات تجارتی

۱۰: اشخاص تاجر یا غیر آنکه اموال
 منقوله را به قصد فروش یا ایجنا از دیگری
 خردواری مینمایندو آن اموال را خواه
 بحالات اصلی آن یا تبدیل باشکل دیگری
 بیع یا ایجاره نمایند ، این بیع و ایجار
 «اعم از آنکه تصرفات در ان شده یا نشده
 باشد» از معاملات تجارتی محسوب است .
 همچنین اشخاص هذ کورا اگر همچه اموال
 را به نیت دادن اجاره بدیگری از شخصی
 اجاره میگیرند ایجاراً نه این اموال منقوله

- و در کول هم دتجار و قی معا ملا تو خخه
گکنل کیزی .
- ۱۱:- که یوسپی تاجری او کنه وی یواجیر
ونیسی چه هغه داجاری در کولو کارو کری نو
داجیر داد اجاری در کو لو کار د تجارتی
معاملات تو خخه حسا پیزی .
- ۱۲:- که یوسپی تاجری او کنه وی
چه منقوله اموال د گتی دیاره واخای او یاهم هغه
منقوله مالونه چه یه دی نیتی اخستلو وی په بل چا
باندی خر ش کری دا معا مله د تجارتی
معاملات تو خخه گکنل کیزی .
- ۱۳:- دخمکی او د حیواناتو حاصلات او د معدن
مواد چه به خپله مالکان او باده قانان ئی خر خوی
یا یو زارع دخپل ز؛ اعی صنعت به از دخپلی
نمکی او حیواناتو د حا صلا تو شکل دیو
دستگاه یا یو ی آلمی به ذریعه تبدیل کری او یا
یو کسب کری به خپله او بادنور و کار یکنکه انو
او با دماشین یه ذریعه خه اسباب یاخه شیان
میدان تهراوسی او هغه خر ش کری هم دغه
شان که یو مؤلف خیل آثار د طبع خخه و روسته
- مستا جره نیز از هما ملات تجارتی
شناخته میشود .
- ۱۱:- اشخاصیکه تاجر باشند یا فیاشند
اگر برای ایجاد بدیگری شخصی را اجیر
مینما بند اجاره دادن عمل اجیر بدیگری
از معاملات تجارتی محسوب است .
- ۱۲:- کسانیکه تا جرند باعییر تاجر
اگر اموال منقوله را به نسبت تأمین منفعت
بخرند و یا همان اموال منقوله را که
باين قصد خریده اند بند یکر ان
بفروشند از معاملات تجارتی شمرده میشود
- ۱۳:- فروش محصولات ارضیه و حیوانیه
و مواد مستخرجه معدن که بوسیله مالک زمین
«مالک باده قان یا مالک معدن» انجام میباشد
همچنان اگر یک زارع به صنعت زراعیه خویش
شکل محصولات ارضیه و حیوانیه خود را ذریعه
کدام نوع دستگاه یا آله تهییل کنند
و با یک صنعت کارخواه خود دش
و خواه با ستخدام عمله یا استعمال
ماشین، آثار صنعت خود را

خرخوی یانی نشر وی دا توں عادی کار ونه
دی ود نج-دارنی کارونه گفه کپزی
لیکن که خوکه دخ خو لو او د خپلو زراعی
او حیوانی مخصوص لاتو او د معدن در او پستلو
شو و دوا دو د تکل د تغیر ور کولو په نیت
دهمشه دیا ره یوه داسی مؤسسه جوړه کړی
چ هغه دیو ی تجا رتی او صنعتی مؤسس
او صاف لری نو ګوم معا ملات چه ددی
موسسي په واسطه صورت نیسی هغه تجارتی
معاملات گفه کپزی.

۱۳: ده را ز منقوله ما او نه در سولو ذمه وری
او هم دا زنگه د دولت دا عمالاتو او انشا آتو
په خصوص کښې قول امورات په خپله ذمه
اخستل تجارتی معاملات دی .

۱۴: دفا پر یکي 'مطبعي' فوتو ګراف ليتو ګراف
لاسی کارخانه نو کارونه، صنعتی کارونه
نشر یات، نش روزنامه، نشر اعلان، فروش
خرخول، هم دغه شان تیار فرونه، سینما، د تماشو
خایونه، عمومی خایونه، جوړول، لکھو قلوبه
د کارداداري خودنی، هزا بدی خایو دا

وجود آورده و آن را بفروشد کذا طبع
کردن و فروشن با انتشار اثر مولفه یک مولف
اینها عموماً از امور عادیه و غیر تجارتی
محسوب اندولی اگر کسی بقصد فروشن، تغییر
شکل محصولات زراعیه و حیوانیه خود دیا
موارد مستخر جه معدن مؤسسه که آن حايز
او صاف یک مؤسسه صنعتی او تجارتی باشد
بصورت دائمی باز کنند معاملاتیکه تو سط
این مؤسسه صورت میگیرد از معاملات
تجارتیه شناخته می شود .

۱۴: تعدادات رسانیدن هر گونه احوال
منقوله همچنان بذمه ګرفتن تمام امورات
را جمعه به اعمالات و انشا آت دو ات از
معاملات تجارتیه است .

۱۵: امور فابریکه، مطبعه، فوتو ګراف
ليتو ګراف، کارگاهای دستی صنعتی
نشر یات، نش روزنامه، نشر اعلان، فروش
کتب، همچنان تیار اسینما، قماشا ګاهای
کشودن جاهای عمومی مانند هوندہا و اداره
خانهای کار، محلهای، مزایده، العموم از امور

تجاریه است نقلیات مسافرین حیوانات
پهوجه دریاب او فضا کنی دمسافرو اوحیوانات
او شیانو نقلیات هم تجارتی معاملات گفمل کنی
تجارتی شناخته میشود.

۱۶- توزیع آب گاز بر ناسیس
ذریعه دنخا برآ تو تاسیس تجارتی
معاملات تو خنخه دی
تجارتی می باشد.

۱۷- معا ملات ذیل از امور تجارتی
خنخه گفمل کنی
محسوب است:

الف: دلالی .

ب: کمیسه کاری .

ج: بروات (ویکسلونه) هفه سندونه چه داصل
خاوند په نوم ادیا چه ورسره وی دهقه په و م
لیکن شوی وی چکونه
د: تبادلوی معا ملی (صرافی او اندی)

ه: معاملات تبادلوی (صرافی و هندوئی)

و: معا ملات بانک های خصوص و عمومی .
ز: تشکیل شرکت های تجارتی خرد
و فروش سهام و حصه منافعی که بشرکت های

تجارتی شرکتو نوته راجع وی .

تجارتی عاید است .

- ۱۸- هر گونه بیمه هادر مقابله هر نوع مخاطرات خواه باجرت باشرط مقابله عقد کنی چه ترون ئی به اجرت وی او که به مقابله شرط وی دتجارقی معاملات تو خنخه کنیل کیزی.
- ۱۹- دیو تاجر توی عقد ونه او قرضو پرته دهغه عقد و نو او قرضو تو خنخه چه دهفوی تعلق به عادی معاملات تو پوری ثابت شی تجارتی کنیل کیزی.
- ۲۰- که چیری بوعقد یوالحی دیو طرفین دیاره تجارتی وی اویه دی اصولنامه کنی دهغه په خلاف تصریحات نه دی ددی راز عاقدینو دهغه معاملات تو په باره کنی چه ددی عقد خنخه پیدا شوی وی دتجارتی امور و داصولنامی احکام نطبیت کیزی.
- ۲۱- پرته دهغه ناجرا تو خنخه چه ددی اصولنامی په ۸ ماده کنی ذکر نویدی او پرته دهغه صنف صنف تاجر آنو خنخه دتجارتی دفتر و نو داسولنامی په (۱۷) ماده کنی پری تصریح شویده دنور و تولو تاجر آنیه باره کنی عموماً خویدی صورت کنی چه دوی دتجارت اهلیت او تجارتی معاملات اصولنامه بت شوی وی دتجارتی دفتر و نو اهله تجارت و معاملات تجارت آنها اصولاً ثابت شود احکام اصولنامه دفتر تجارت و در شکست

و به اقی اصولات را جمعه به دبازار دسود والی اصولنامه احکام او نور اصول
چه د تجارتی چار و پخصوص کتبی وی تطبیق پذیری .
۲۲- به اجرای احکام اصولنامه هذا وزارت اقتصاد ملی و زارت ددی اصولنا می
په اجرا مکلف دی .
ادخال اصولنامه هذا را در جمله زه دا امر او اراده کوم چه دا اصولنامه
اصولنامه های دولت امر و اجرای مواد ددولت په نور و اصولنامه کتبی داخله او موادی
آن را اراده می نمایم .
مو رخه ۳۰ جوز ای ۱۳۶۱ ۵ سره سم - ۱۳۶۱

مطابق ۵ جمادی الثاني ۱۳۶۱



